

THE UNIVERSAL HOUSE OF JUSTICE
DEPARTMENT OF THE SECRETARIAT

۱ شهرالسلطان ۱۷۱

۱۹ ژانویه ۲۰۱۵

ارسال از طریق الکترونیکی

جناب آقای...

کانادا

دوست عزیز روحانی،

چندی پیش یکی از احبابی ساکن ایران سؤالاتی در خصوص امر تبلیغ در آن کشور مطرح نمودند. لطفاً آن دوست عزیز را از پاسخ زیر که به دستور بیت العدل اعظم الهی مرقوم گردیده مطلع فرمایید. تأخیر در ارسال جواب که ناشی از تراکم کار در مرکز جهانی می باشد موجب تأسف است.

احبابی عزیز و مخلص ایران البتّه همواره مختارند هر پرسشی را که مایلند با معهد اعلی مطرح نمایند. تبلیغ امر الله جزئی از حیات بهائی و وسیله‌ای برای خدمت به عالم انسانی و طریقی برای کمک به استقرار مدنیّت جهانی است. تبلیغ در معنای وسیع خود نشر نفعات الله، اعلاء کلمة الله، کمک به التیام آلام بشری و نشانه‌ای از روح نبّاض مؤمنین به این امر اعظم است. نور بخشیدن از خصایص ذاتی شمع است و نمی توان از شمع خواست که نور نبخشد زیرا چنین انتظاری بدان معنا خواهد بود که از شمع خواسته شود تا موجودیّت و هویت خود را نفی نماید. به همین منوال اشتیاق به رساندن پیام شفابخش الهی به نوع بشر از خصایص هر نفسی است که قلبش به نور ایمان منور است و نمی توان او را از این فضل و موهبت محروم نمود. به خاطر این مفاهیم عمیق روحانی است که تبلیغ امر الله در آثار حضرت بهاء الله فریضه روحانی هر فرد محسوب می شود. در شرایط فعلی ایران که مسئولین امور به وسایل مختلفه متشبه شده و می کوشند تا به زعم باطل خویش جامعه بهائی را در مقام جامعه‌ای پویا و فعال ریشه کن سازند، تبلیغ انفرادی توأم با دیگر فعالیت‌های اجتماعی احباً لازمه استمرار وجود جامعه بهائی نیز می باشد.

بیانی که از حضرت ولیّ عزیز امر الله نقل فرموده‌اید روشن می‌سازد که اطاعت از حکومت مربوط به مسائلی در زمینه "امور اداری" امر تبلیغ است که "تعلق به مؤسّسات و تشکیلات امریه" دارد. اما در مسائل وجدانی، احبّا هرگز از مسؤولیت‌های خود نمی‌گذرند و با صداقت علی رغم هرگونه مصائب و در نهایت فداکاری به عقاید خود پای‌بندند.

بر هر ناظر بی‌طرفی روشن است که بهائیان در ایران نهایت سعی خود را نموده و می‌نمایند که شهروندانی قانون‌مند باشند. احبّای جان‌فشان مهد امر الله در مقابل خواسته‌های مسئولین، با از خودگذشتگی و حسن نیت نه تنها از تشکیلات رسمی اداری خود صرف نظر نمودند بلکه از ترتیبات موقّتی هم که سالیان سال بعد از انقلاب اسلامی با موافقت کامل اولیای امور وضع شده بود چشم پوشیدند زیرا ترتیبات مزبور مورد مخالفت صاحبان قدرت قرار گرفت. این فداکاری و گذشت از حقوق حقّه، شامل فعالیت‌های جمعی تبلیغی در ظلّ تشکیلات به نحو معمول در سایر کشورها بود و همان‌طور که اشاره کرده‌اید حضرت شوقی افندی آن را به خصوص ذکر فرموده‌اند.

احبّا در مورد مسائل وجدانی نیز در کمال ثبوت از هدایات حضرت ولیّ امر الله پیروی نموده‌اند. قلب انسان محلّ ظهور ایمان و تجلّی‌گاه حقایق رحمان است. آمادگی برای اعتراف به تعهدات روحانی و ابراز ایمان، به عنوان وسیله‌ای برای آگاهی دیگران از اعتقادات خصوصی شخص، نشانه صداقت و شرافت فرد است. هیچ حکومت و یا مرجع قدرتی نباید به خود اجازه دهد و یا امکان آن را داشته باشد که این حقّ طبیعی انسانی را پایمال نماید. ایمان احساسی باطنی و آکنده از اشتیاق است و در قالب کلام و عمل جلوه می‌نماید. وجدان نباید سرکوب گردد بلکه باید آزاد باشد تا باورهای شخصی خود را برگزیند و تنها خداوند علیم و دانا است که می‌تواند در مورد گزینش‌های وجدانی هر فرد قضاوت نماید. این اصل مختصّ به دیانت بهائی نیست بلکه در دیگر ادیان الهی نیز عمومیت دارد.

هدف رفتار مسئولین امور در ایران با جامعه بهائی روشن است. در حالی که با اقدام داوطلبانه بهائیان در تعطیل کردن تشکیلات اداری خود قانع نشده‌اند، هم‌چنان در صددند که به هر وسیله‌ای از جمله سرکوب کردن وجدان شخصی و پافشاری بر سکوت آنان، امر مبارک را در سرزمین زادگاهش خاموش سازند. از طرف دیگر با انتشار دروغ و افترا در باره آیین و تعالیم

بهائی و سوء تعبیر مقاصد آن برای رفاه عموم، از جمله ملت ایران، دولت امیدوار است بتواند بدون واهمه از هر پیامدی، درک و وجدان سایر شهروندان ایران را در مورد مسئله بهائیان تحت کنترل خود درآورد. اما شما شاهد آن بوده‌اید که در سال‌های اخیر به دنبال اقدام احبای عزیز در انجام وظایف روحانی شخصی خویش، چگونه سوء تفاهمات تقلیل یافته و مردمان منصف از همه اقشار و باورها به دفاع از حقوق بهائیان برخاسته و حتی گروهی چشم‌گیر با رجوع به وجدان آزاد خویش ایمان خود را به حضرت بهاء‌الله ابراز داشته‌اند.

این ادعا که تزییقات وارده بر بهائیان به خاطر تبلیغ کردن آنها است کاملاً بی پایه و اساس است چه که مخالفت شدید با آیین بهائی همواره از آغاز این نهضت روحانی علی‌رغم فعالیت‌های این جامعه ادامه داشته است. در حقیقت اصرار بر منع بهائیان از تبلیغ انفرادی، خود از جمله طرقی است که برای ریشه‌کن کردن این آیین اتخاذ می‌گردد. ملاحظه فرمایید که چطور بعضی از مسئولین امور با گستاخی بیان می‌دارند که رعایت حیات بهائی و حسن اخلاق بهائیان در مراوده با دوستان و همسایگان، درج بیانات مبارکه و نمادهای بهائی بر روی سنگ قبور احبای و درخت‌کاری و گل‌کاری در گلستان‌های جاوید تبلیغ دیانت بهائی محسوب می‌شود و بهائیان باید از آنها دست بردارند. و یا اظهار می‌دارند که احبای نباید با دوستان و همسایگان مسلمان خود معاشرت کنند، به نیازمندان اجتماع کمک نمایند و یا در گفتمان‌های سودمند شرکت جویند و یا در رابطه با بهبود وضع اجتماع کوشا باشند زیرا این اقدامات را نیز ترویج دیانت بهائی می‌دانند.

این انتظارات بی‌جای متعصبین مغایر حکم الهی مبنی بر لزوم آزادی وجدان و در حقیقت مصداق بارز نقض حقوق شهروندی بخشی از شهروندان ایران زمین است. این مسئولین در مقابل جامعه بین‌المللی چنین ادعا می‌کنند که دلیل اعتراض آنان به تبلیغ دیانت بهائی این است که چنین فعالیت‌هایی در ایران مشکلات اجتماعی ایجاد می‌کند و الا آنان به بهائی بودن افراد معترض نیستند. این در حالی است که خود نه تنها به تبلیغ عقاید مذهبی خویش مشغولند بلکه به خود اجازه می‌دهند که به منظور برانگیختن نفرت عمومی علیه بهائیان برنامه‌های گسترده‌ای در جهت نشر اکاذیب و مفتریات تدارک دیده و آن را اجرا نمایند، از پایمال کردن حقوق شهروندی بهائیان ابایی ندارند در حالی که به خوبی به مظلومیت آنان واقفند و به یقین می‌دانند که آنان در سیاست حزبی مداخله‌ای نمی‌کنند، خیرخواه میهن و

ملت خویش می‌باشند ولی مصمم اند تا برای احقاق حقوق خود از مجاری قانونی اقدام نمایند.

راجع به اظهارات یکی از مسئولین امور در خصوص آزادی اقلیت‌های مذهبی که در نامه خود ذکر فرموده بودید، باید توجه داشت که حقوق قانونی اقلیت‌ها که ایران مدعی حمایت از آن است بر طبق منشور بین‌المللی حقوق بشر که ایران نیز از امضاکنندگان آن است چنین توصیف شده است: "هر شخصی حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و دین بهره‌مند شود. این حق مستلزم آزادی تغییر دین یا اعتقاد و هم‌چنین آزادی اظهار دین یا اعتقاد، در قالب آموزش دینی، عبادت‌ها و اجرای آیین‌ها و مراسم دینی به تنهایی یا به صورت جمعی، به طور خصوصی یا عمومی است." اما نباید نادیده گرفت که نمایندگان دولت ایران با طفره‌روی و بهانه‌تراشی همواره سعی دارند دشمنی دیرینه و تعصبات مذهبی خود نسبت به آیین بهائی و تزییقات و بی‌عدالتی‌های وارده بر جامعه بهائی ایران را از جامعه بین‌المللی پنهان دارند.

مقصود از "فعالیت‌های سیستماتیک تبلیغی افراد"، که در مکتوب دارالانشاء مورخ ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۳ مطرح شده، دنبال کردن فعالیت‌ها و ابتکارات فردی با روشی سیستماتیک است و نه سازمان‌دهی رسمی و اداری آن. در رابطه با تصمیم انحلال مؤسسه آموزشی در ایران به منظور حفظ و صیانت جامعه بهائی، رعایت اوضاع اجتماعی و به عنوان نشانه‌ای از اشتیاق به هم‌کاری با اولیای امور، در نامه مورخ ۲۹ ژوئن ۲۰۰۶ خطاب به یکی از احبای مقیم خارج بیان شده است که معنی و مفهوم این تصمیم این است که افراد احباً باید در انجام امر مهم تبلیغ که از جمله وظایف روحانی هر فرد بهائی است بیش از پیش کوشا باشند، هیچ فرصتی را از دست ندهند و با رعایت حکمت و از طریق ابتکار شخصی، تا حد امکان با استفاده از بینش‌های روحانی و روش‌هایی که در فرایند مؤسسه آموزشی آموخته‌اند به این وظیفه خطیر قیام کنند و در این راه دیگران را نیز تشویق و حمایت نمایند. در کشورهایی که از نعمت آزادی اجتماعی برخوردارند، تبلیغ هم از طریق فعالیت‌های انفرادی و هم از طریق اقدامات سازمان‌یافته جامعه در ظل مؤسسات بهائی صورت می‌پذیرد. این گزینه دوم در حال حاضر در ایران موجود نیست ولی تبلیغ انفرادی از جمله وظایف روحانی هر فرد بهائی است. در شرایط فعلی امضای نوعی تعهدنامه توسط یک فرد بهائی مبنی بر عدم تبلیغ در بعضی از فضاهای اجتماعی خاص مثل مدارس، دانشگاه‌ها و یا محل کار بلامانع است.

در مورد خودداری از تبلیغ در کشور اسرائیل، موضوع بسیار ساده و روشن است: حضرت بهاءالله به وضوح بیان فرموده‌اند که بهائیان ساکن ارض اقدس از تبلیغ خودداری نمایند و آنان در اطاعت از هیکل مبارک از این هدایت پیروی کرده‌اند. ملاحظه فرمایید که این امر به هیچ وجه نتیجه موافقت‌نامه‌ای با کشور اسرائیل که بیش از سه چهارم قرن بعد از ورود حضرت بهاءالله به آن سرزمین تأسیس شد نمی‌باشد. ولی این نکته نیز قابل ذکر است که هیچ‌گونه ممانعتی در راه آشنایی ساکنین اسرائیل با حقایق دیانت بهائی وجود ندارد. شهروندان این کشور با آزادی کامل به اطلاعات صحیح در مورد تاریخ امر بهائی و تعالیم آن دسترسی دارند — چه از طریق اینترنت، چه با مراجعه به کتاب‌خانه‌های مملکت، چه توسط نشریاتی که به بازدیدکنندگان حدایق بهائی داده می‌شود و چه از طریق گفتگو با افراد بهائی. جراید و تلویزیون‌های مملکت نیز هر از گاهی مقالات و برنامه‌هایی برای معرفی امر مبارک تهیه و منتشر می‌سازند.

این فرضیه نیز که بهائیان در دیگر کشورهای مذکور در نامه شما تبلیغ نمی‌کنند و یا در باره عقاید خود با دیگران گفتگویی ندارند صرفاً و کاملاً عاری از حقیقت است.

امید چنان است که توضیحات فوق جوابگوی سؤالات آن خادم جان‌فشان امرالله باشد. بیت العدل اعظم در اعتبار مقدسه علیا جهت شمول الطاف و تأییدات ربّانی در حق آن یار گرامی و نزول عنایات الهی بر یکایک پیروان باوفای جمال ابهی در مهد امرالله دعا خواهند فرمود.

با تقدیم تحیات

دارالانشاء بیت العدل اعظم